

خزائن مکتوم تمبوکتو

فهرستوارهٔ عمومی نسخه‌های خطی فندکاتی

خاندان القوطی

اسماعیل جیاچه حیدرا القوطی

مولای اسماعیل حیدرا

صفا اخوان

کتابخانهٔ بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)

- گنجینهٔ جهانی مخطوطات اسلامی -

القوطی، اسماعیل جیاجه حیدرا، گردآورنده

خزائن مکتوم تمبوکتو؛ فهرستواره عمومی نسخه‌های خطی فندکاتی خاندان القوطی/گردآورندگان اسماعیل جیاجه حیدرا القوطی، مولای اسماعیل حیدرا، صفا اخوان- قم: کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی(ره)-گنجینه جهانی مخطوطات اسلامی- قم- ایران، ۱۴۳۳ هـ = ۲۰۱۲ م = ۱۳۹۰

۴۶۹ ص

ISBN: 978 - 600 - 161 - 036 - 3

۶۵۰۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

فارسی - عربی - انگلیسی
۱. نسخه‌های خطی عربی - آفریقا - تمبوکتو - فهرستها. ۲. تمبوکتو (خاندان القوطی) - نسخه‌های خطی.
۳. نسخه‌های خطی عربی - فهرستها. الف. حیدرا، مولای اسماعیل. ب. اخوان، صفا، ج. کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی. گنجینه جهانی مخطوطات اسلامی. د. عنوان.

۰۱۱/۳۱

۲۲۱۸۵۶۹

۶۶۲/۶۸/۹۹

۱۳۹۰



خزائن مکتوم تمبوکتو؛ فهرستواره عمومی نسخه‌های خطی فندکاتی خاندان القوطی
مؤلف: اسماعیل جیاجه حیدرا القوطی؛ مولای اسماعیل حیدرا؛ صفا اخوان

ناشر: کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی(ره)

-گنجینه جهانی مخطوطات اسلامی- قم- ایران

تاریخ نشر و نوبت چاپ: اول؛ ۱۳۹۰ هـ. ش/ ۱۴۳۳ هـ. ق/ ۲۰۱۲ م

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

لبنوگرافی: تیزهوش - قم

چاپخانه: گل وردی - قم

ناظر چاپ: علی حاجی باقریان

بها: ۶۵۰۰۰ ریال

ISBN: 978-600-161-036-3

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۶۱-۰۳۶-۳

AYATOLLAH MAR'ASHI NAJAFI ST., Qom 37157, I.R.IRAN

TEL: + 98 251 7741970-78; FAX +98 251 7743637

[http:// www.marashilibrary.com](http://www.marashilibrary.com)

[http:// www.marashilibrary.net](http://www.marashilibrary.net)

[http:// www.marashilibrary.org](http://www.marashilibrary.org)

E_mail: info@marashilibrary.org

فهرست

۷	مقدمه
۲۳	فهرستواره
Introduction au Répertoire Général des Manuscrits de Fondo Kati.....	3
Regards sur un trésor	11

www.ketab.ir

مقدمه

نویسنده شهیر اسپانیایی، سر وانتس، در آغاز اثر جاودان خود «دون کیشوت» حکایتی را نقل می‌کند که محل جغرافیایی آن، امروز شهری است در نزدیکی مادرید، پایتخت اسپانیا که در روزگار حاکمیت دولت مسلمان اندلس، «طَلِیْطَلَه»^۱ نامیده می‌شد.

به گفته وی، «پسر بچه ای آمد که کتب و اوراق قدیمی تاجر ابریشمی را می‌فروخت. کتابچه‌ای را از او خریدم و دیدم که به زبان عربی نوشته شده... کتاب تاریخ دون کیشوت اف لامانچا نوشته سید حامد بن انجیلی^۲. صرف نظر از اینکه حکایت خرید کتاب سر وانتس خود جزئی از افسانه دون کیشوت است یا خیر، ما را به نکته مهمی رهنمون می‌سازد که: مرکزیت شهر طَلِیْطَلَه مکانی جهت تبادل علوم و کتاب است. این ویژگی سبب شد تا طَلِیْطَلَه یکی از سه شهر اصلی اندلس باشد و در آن کارخانه کاغذسازی احداث گردد^۳. به نظر می‌رسد که ورود فن کاغذسازی از دنیای اسلام به اروپا از همین منطقه بوده است.

و فور کاغذ در این شهر خود اسباب کثرت نسخه‌برداری از متون مختلف و تصنیف و تألیف آثار بیشماری را فراهم ساخت. با این همه، هنوز مشخص نیست که از هفتاد کتابخانه اسلامی موجود در اندلس^۴ چه تعداد در شهر طَلِیْطَلَه قرار داشته است اما بسیاری چون ویل دورانت تصریح دارند که در عالم مسیحیت اروپا، رجال دینی و مسیحیان عادی برای طلب علم به طَلِیْطَلَه می‌آمدند^۵.

1. Tolaytala.

۲. جرجی زیدان، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، امیرکبیر ۱۳۵۲، ص ۲۰۴.

۳. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه ابوالقاسم طاهری، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی ۱۳۶۸، ج ۴،

بخش اول، ص ۳۸۸.

۴. پیشین، همانجا، ص ۳۸۲.

بررسی تاریخ این شهر بیانگر این است که: بسیاری از بزرگان مسیحی در اعصار گوناگون به امر ترجمه آثار اسلامی آن شهر مبادرت ورزیده‌اند. ظاهراً آسقف اعظم، ریموند^۱ مؤسس مدرسه ترجمه تولد^۲ در ۱۰۸۵م، با اتکاء به متون و منابع بیشمار بازمانده از عهد درخشان حضور علمای مسلمان اندلس، به لزوم بهره‌مندی از منابع اسلامی برای انتقال علوم و دانش بشری به اروپا تأکید کرده است.^۳ وی و هیئت مترجمان مدرسه مذکور آثار متعددی را به زبان‌های اروپایی ترجمه کرده‌اند. دستاورد این نهضت ترجمه افزون بر اعجاب علمای بزرگ اروپا نسبت به دستاوردهای تمدن اسلامی، تأسف آنها از برخی اقدامات نظیر کتاب‌سوزی آثار اسلامی توسط برخی از افراط‌گرایان مسیحی^۴ را نیز در پی داشت.

با این همه، به همت اشخاصی چون مینگو گونسالوو^۵ که به واسطه برادران «بن داود» یعنی یوحنا و ابراهیم آثار ابن سینا چون شفا را به زبان لاتینی بازگرداندند^۶، یا جرال د تلیطلی که قانون ابن سینا را به همراه آثاری از جوارزمی و فارابی ترجمه کرد^۷، امر انتقال علوم آغاز شد. برخی معتقدند که بعضی از این افراد نظیر جرال د تلیطلی که خود از ایتالیا با هدف کسب علم راهی تلیطله شده و در آنجا اسکان یافته بود، به تنهایی افزون بر هشتاد اثر را از زبان عربی به زبان‌های لاتین برگردانده است.^۸

آنچه که موجب بروز این تحول خاص در شهر تلیطله گشت تنها، کثرت آثار موجود در

1. Reymond de Saurefate Raymond of Toledo.

2. Toledo & tolède.

۳. الجلیلی، تأثیر الطب العربی فی الحضارة الارویة فی عصر النهضة، تحقیق عبدالرحمن عبدالله العوضی، کویت ۱۹۸۴، ص ۶۶.

۴. در این زمینه نک به: عبدالواحد ذنون طه، حركة المقاومة العربیة الاسلامیة فی الاندلس بعد سقوط غرناطه، بغداد ۱۹۹۸، ص ۱۸.

5. Domingo Gonsolvo.

۶. عبدالهادی نصری، دور الاندلس فی انتشار العلوم العربیة الی اروپا، اعداد مصطفی شیخ حمزه، حلب ۱۹۹۳، ج ۲، ص ۲۹۲.

۷. محمد محمود الحاج قاسم، الطب عند العرب والمسلمین، جده ۱۹۸۷، ص ۳۹۲.

۸. نصری، ج ۲، ص ۲۹۲.

کتابخانه‌های مختلف آن شهر و سهولت دسترسی به کاغذ برای نسخه‌نویسی نبود. به نظر می‌رسد یک ویژگی مهم دیگر را هم در نظر داشت: طَیْلَطَه که تا سال ۱۵۶۰م پایتخت اسپانیای تحت حکومت اقوام گوت غربی بود عملاً یکی از شهرهای مهم مسکونی و آباد اندلس قبل از ورود مسلمانان به شمار می‌آمد. شهری که در آن نجای ویزیگوت^۱ از قرن چهارم میلادی به بعد حضور داشتند و این شاخه غربی اقوام گوت، برخلاف گوت‌های شرقی از فرهنگی متمایز و دستاوردهایی ممتاز برخوردار بودند. گواه این مطلب را تنها می‌توان در معماری بازمانده از دوره گوتیک - که به آنها منسوب است - بازجست.

البته بازخوانی تاریخ حیات برخی از بزرگان طَیْلَطَه هم مؤید دیگری بر این ادعاست. نمونه‌هایی چون ابن قوطیه، ابوبکر محمد بن عمر (درگذشت ۹۷۷م/۳۶۷ق) صاحب کتاب «تاریخ افتتاح الاندلس» مصداق دیگری از این وضعیت متمایز شهر را در اختیار ما قرار می‌دهد.^۲ وی که مادرش ظاهراً از بازماندگان اشراف گوت غربی بود، عملاً به مدارج و سطوح بالایی از علوم دست یافت و همین امر سبب سرآمدی او نسبت به هم‌عصرانش شد. وی ادیب، مورخ، لغوی، شاعر و فقیه مالکی بزرگ عهد خود بود که لقب ابن قوطی را که معرب واژه «گوت» و اشاره به خاستگاه خانوادگیش است، برگرفته بود.^۳

امروزه «تاریخ افتتاح الاندلس» که یکی از متون پایه برای درک چگونگی ورود مسلمانان به اروپا است برای ما متنی حائز اهمیت و قابل اعتنا به شمار می‌آید. متنی که ویژگی‌های تاریخ‌نگاری آن با نمونه‌های دیگر آثار اعراب مسلمان آن عهد، تفاوت‌هایی اندک دارد. پرداختن به موضوعاتی چون خاستگاه قومی شخصیت‌های مورد بحث در کتاب و توصیف ساکنین اندلس بدون توجه به گرایش‌های دینی، همگی حاکی از نوعی حس نزدیک به ملی‌گرایی در میان یکی از بازماندگان

۱. Wisigoth.

۲. برای اطلاع بیشتر رک به اصل اثر: ابن قوطیه، تاریخ فتح اندلس، تصحیح ابراهیم ایاری، ترجمه حمیدرضا شیخی، بنیاد پژوهشهای آستان قدس ۱۳۶۹.

۳. برای اطلاع بیشتر نک به حسن یوسفی اشکوری، مدخل ابن قوطیه، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۱۳۷۰، ج ۴، صص ۴۹۱-۴۹۰.

اشرافیت گوتی است که خاندانش اسلام را پذیرفته‌اند، اما می‌کوشند هویت و خاستگاه خود را در لابه‌لای روایتی که ظاهراً این قوطی بر شاگردش انشاء کرده، حفظ و توصیف کنند.

چنین رویکردی در نگارش متون تاریخی طی قرون نخستین اسلامی تنها مختص مسلمانان اندلس و از جمله ابن قوطی نبوده است. در مشرق دنیای اسلامی نیز ایرانیان، دویست سال پس از ظهور اسلام از همین سیاق برای بیان تاریخ خود بهره جسته بودند. اما پرسش اساسی آن است که آیا این مکتب تاریخ‌نگاری در مغرب اسلامی به صورت خودجوش شکل گرفت یا می‌توان آن را نتیجه تأثیرپذیری مورخان اندلسی از مورخان ایرانی دانست؟

دقت در اسامی استادان و مشایخ ابن گوتی ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که علاقه او به تاریخ‌نگاری متأثر از محدثی بزرگ از اهالی قرطبه به نام قاسم بن اصبح (درگذشت ۹۵۱م) بوده است.^۱ در خیل شاگردان ابن محدث قرطبی، با نام یکی از ایرانی زادگان مهاجر به اندلس نیز آشنا می‌شویم که ظاهراً آثار منسوب به وی مبنای مهمی برای درک تأثیرپذیری سنت تاریخ‌نویسی اندلس از ایران بوده است.^۲

آگاهی ما در خصوص ارتباط احتمالی میان این دو شاگرد و تبادلات آنها ناکافی است، با این همه از بررسی شواهدی می‌توان دریافت که چه بسا تأثیر احمد بن محمد بن موسی الرازی بر ابن قوطی زیاد بوده است. آنگونه که نتایج حاصل از بررسی‌ها و تحقیقات مختلف نشان می‌دهد محمد بن موسی بن بشیر رازی در سال ۸۶۴م در کسوت یک تاجر با کالای خود، راهی اندلس شد. وی به زودی توانست در دستگاه محمد بن عبدالرحمن (۸۸۶-۸۵۲م/۲۳۸-۲۳۷ق) حاکم عرب اندلس موقعیتی ممتاز به دست آورد و از سوی او به عنوان سفیر به دربار احمد بن محمد بن اغلب از سلسله اغالبه شمال آفریقا (۸۰۰-۹۰۹م/۱۸۴-۲۹۶ق) اعزام شود. محمد بن موسی ظاهراً در طی همین سفرها در ناحیه سجلماسه که در آنجا بنی مدرار (۷۷۱-۹۷۷م/۱۵۵-۳۶۶ق) تحت رهبری ابوالقاسم

۱. برای اطلاع بیشتر نک به حسن یوسفی اشکوری، مدخل ابن قوطی، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۱۳۷۰، ج ۴، صص ۴۹۱-۴۹۰.

۲. ابوالولید عبدالله بن محمد بن محمد یوسف الازدی (ابن فرضی) تاریخ علماء الاندلس، قاهره ۱۹۹۶، ج ۱، صص ۲۷۲-۲۶۹.

سمغو حکومت می‌کردند، تصمیم به ازدواج گرفت و از آن پس به امر تجارت میان دو سوی مدیترانه مبادرت ورزید.^۱ بنا به گفته یکی از نویسندگان قرن یازدهم میلادی، کتاب «الرایات» به نگارش محمد بن موسی رازی واجد اخبار حمله مسلمانان و فتح اندلس بوده است.^۲ اثری که متأسفانه اینک ما نسخه ای از آن را در دست نداریم.

موضوع «الرایات» یا پرچم‌ها در حقیقت تاریخ فتح اندلس تحت امر سپاه موسی بن نصیر است. سبب نام‌گذاری این کتاب کثرت اقوام تحت فرماندهی سپاه اسلام و تنوع پرچم‌های آنها بوده است. فرزند وی، احمد، از معاصران ابن قوطی و شاگردان محدث قرطبی توانست سنت کتابت تاریخ اندلس پدر را به کمال رساند. زهی تأسف که از آثار او در بیان انساب مشاهیر اندلس نیز تنها، خبری در دست است. به رغم همه این کمبودها، ما امروز می‌دانیم که روش تاریخ‌نگاری او هم با سنت تاریخ‌نگاری اعراب مسلمان متفاوت بوده است. در این زمینه برخی، توجه وی به توصیف محیط جغرافیایی عهد تاریخی او را برگرفته از سنت مغرب زمینیان دانسته‌اند، اما فراموش نباید ساخت که در بخش مشرق دنیای اسلام هم آثار متعددی وجود دارد که از همین سیاق در ورود به مقولات تاریخی پیروی کرده‌اند. در حقیقت روش توصیف اقالیم متعدد و سپس تشریح حوادث تاریخی این مناطق مختلف نمونه‌ای از سنت تاریخی مشترک مشرق و مغرب اسلامی معاصر ظهور اسلام بوده است و مورخان مسلمان عرب نژاد برخلاف این اصل، عموماً با اتکاء به باورهای مذهبی خود توصیف تاریخ را با ظهور آدم ابوالبشر (ع) و سپس تشریح شاخه‌های مختلف نژاد فرزندان او آغاز می‌کردند.

روش تاریخ‌نگاری این ایرانی مهاجر به اندلس که ظاهراً در ادامه سنت پدرش دنبال می‌شده، مورد توجه بسیاری از مورخان مغرب اسلامی قرار گرفت. از این رو است که برخی معتقدند اساس تاریخ افتتاح الاندلس ابن قوطی برگرفته از «اخبار ملوک الاندلس» رازی بوده است.

فرزند احمد بن محمد بن موسی رازی، هم به مکتب تاریخ نویسی پدران خود دل‌باخته بود و

۱. در خصوص وی نک به احمد بن محمد المقری، نفع الطیب من غصن الاندلس الرطیب، تحقیق احسان عباس، بیروت ۱۹۶۸، ج ۳، ص ۱۱.

۲. ابن الابار، الحلة السیراء، تحقیق حسین مونس، قاهره ۱۹۶۳، ج ۱، ص ۸۸.

در کنار علاقه‌ای که به ادب عربی داشت تألیفی تاریخی به نام «الوزراء و الوزارة فی الاندلس» و نیز ظاهراً کتاب دیگری به نام «الحجاب للخلفاء فی الاندلس» را از خود به یادگار گذاشت که متأسفانه کتابتی از این دو اثر نیز در دست نیست.

مقارن بودن ابن قوطیه با عصر تاریخی خاندان ایرانی تبار رازی، و تأثیرپذیرفتن وی از سبک نگارش آنها در تاریخ افتتاح الاندلس را می‌توان از یک مثال تاریخی دیگر نیز دریافت. معروف است که وقتی ابن عبدربه اندلسی کتاب خود «عقد الفرید» را نگاشت و نسخه‌ای از آن به دست وزیر دانشمند ایرانی، صاحب بن عباد رسید وی با مطالعه آن تنها به این جمله بسنده کرد «ان بضاعتنا و دلت الیها»؛ چرا که ابن عباد، گویی تمام دانش و سیاق آثار مشرق دنیای اسلام را در اثری نگاشته شده در مغرب دنیای اسلام به عیان مشاهده کرد.

علاوه بر ابن قوطیه مورخان دیگری نیز مکتب تاریخ نگاری مغرب اسلامی را غنا بخشیدند و آثار بیشماری را عرضه داشتند که همگی مؤید پراکندگی و تنوع متون پایه موجود در کتابخانه‌های مهم اندلس به ویژه طلیطله است. با سقوط خاندان بنی ذی النون در ۱۰۸۵/۴۷۸ ق، نظام سستی حاکم بر این شهر مهم، دستخوش بحران شد. اگرچه آلفونس ششم، حاکم جدید سعی داشت اساس و بنیان حیات علمی شهر تُولُک را حفظ کند و مانع از فروپاشی سازمان علمی این شهر گردد، اما با این همه اخباری که به ما رسیده حاکی از بروز تحولاتی در این سرزمین است.

ظاهراً در پی این حوادث بود که علی بن الزیاد القوطی یکی از بازماندگان خاندان قوطی در ۱۴۶۸م مجبور شد زادگاه خانوادگی خود را ترک کند. علی بن زیاد، کتابخانه شخصی اجداد خود را - حاوی بیش از ۴۰۰ نسخه خطی - از طَلِیْطَلَه یا همان تُولُک جدید به حرکت درآورد و با آن به صوب جنوب، شاید فاس در آغاز رهسپار شد. او قصد داشت در یکی از شهرهای تحت قلمروی مسلمانان سکنی گزیند. وی در سال ۱۴۷۱م با یکی از به دامادی یکی از شاخه‌های خاندان حکومتی سونغای درآمد.

۱. در خصوص ایشان نک به زامباور، معجم الانسان و الأسرات الحاکمة فی التاریخ الاسلامی، تحقیق زکی محمد حسن بک و حسن احمد محمود، قاهره ۱۹۵۱، ج ۱، ص ۸۹

به نظر می‌رسد که علی بن زیاد در مسیر این هجرت برخی دیگر از منابع مهم مورد توجهش را نیز از شهرهای مسیر خود خریداری کرد و به گنجینه خویش افزود. اگر حکایت بازماندگان خانواده القوطی، در شهر تمبوکتو را بپذیریم، مقصد کتابخانه علی بن زیاد القوطی، شهر تمبوکتو در جمهوری مالی کنونی بوده است. شهری که در آن تاریخ به دلیل روش حکومت سونگای و اختلافات میان مسلمانان و مسیحیان چندان در آرامش نبود. به گفته بازماندگان وی، خاندان القوطی در آن هنگام از سوی اکثریت سنی شهر، متهم به تشیع شدند. دلیل انتخاب تمبوکتو روشن نیست اما با توجه به برخی مهاجرت‌های گذشته که پس از سقوط اندلس صورت گرفته و موقعیت خاص شهر تمبوکتو در زمان حکومت دولت سونگای می‌توان پذیرفت که گروه‌هایی از مهاجران اندلس در این شهر از سالهای قبل اسکان یافته بودند.

به باور ما، در میان این دسته، یکی دیگر از وابستگان خاندان القوطی هم وجود داشت؛ محمود بن عمر بن محمد اُفیت صنهاجی فقیه و قاضی مالکی اواخر قرن پانزدهم و اوایل قرن شانزدهم میلادی^۱. محمود بن عمر که اطلاعات ما درباره استادان وی ناکافی است، در سال ۱۴۹۹م/۹۰۴ق به امر قضای تمبوکتو منصوب گردید. وی در ۱۵۰۹م/۹۱۵ق به سفر حج رفت و در آن سفر بود که با برخی از بزرگان و علمای مسلمان چون قلفشندی و مقدسی آشنا و از محضر درس آنها بهره برد. هنگام بازگشت مدتی را نیز در بصر گذراند و ظاهراً او نیز به سنت خاندان خود که از آن زمان در تمبوکتو به اُفیت به جای القوطی مشهور بودند، تاسی کرد و به جمع کتب مبارت ورزید.

ظاهراً بر همین اساس بود که او هم سنت تاریخ‌نگاری را با تألیف کتاب «تاریخ الفتاش» آغاز کرد، اما ظاهراً انجام این اثر به همت یکی از نوادگانش یعنی ابن مختار در ۱۶۶۵م/۱۰۷۶ق به پایان رسید^۲.

اما بر خلاف ارزیابی ارائه شده درباره محمود بن عمر، خاندان القوطی ساکن در تمبوکتو معتقدند وی فرزند علی بن زیاد القوطی بوده است. علاوه بر این، بازماندگان خاندان القوطی که

۱. برای اطلاع بیشتر درباره وی نک به فرامرز حاج منوچهری، مدخل تنبکیتی در دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج

۱۶، صص ۲۰۷-۲۰۶.

۲. پیشین، همانجا.

اینک مجموعه کتابخانه فندکاتی را در تمبوکتو در اختیار دارند بر اساس حاشیه‌های برخی از نسخه‌های تحت اختیارشان که رقم «محمود کمت» را بر خود دارد، معتقدند صاحب «تاریخ الفتاش فی اخبار البلدان و جیوش و اکابر الناس و ذکر وقایع التکرور و عظام الامور و تفریق انساب العیید من الاحرار» همان محمود بن عمر بن محمد اُقیّت صنهاجی است.

بنابراین اگر این روایت را بپذیریم آنگاه می‌توان نتیجه گرفت که مجموعه دوازده هزار و اندی نسخه کنونی موجود در شهر تمبوکتو که فهرست نامگوی آن اکنون انتشار می‌یابد، با محوریت همان ۴۰۰ نسخه نخستین انتقال یافته از شهر طَلیطلَه بنیان نهاده شده است.

به روایت آنها علی بن الزیاد القوطی الطلیطلی الاندلسی، بعد از آنکه نزاع بر سر مسجد جامع شهر طَلیطلَه میان مسلمانان، مسیحیان و یهودیان آغاز شد و طی آن ۱۶۰۰ خانه از شهر سوخت، مسقط الرأس خود را ترک کرده و به سوی جنوب رهسپار شد.

علی بن زیاد با خدیجه، برادرزاده پادشاه سونغای، که در آن زمان بر تمبوکتو حکومت می‌راند^۲ یعنی «علی بیر» ازدواج کرد. ثمره این وصلت محمود القوطی، یا همان اُقیّتی است. روایت مذکور با اطلاعات ما درباره محمود بن عمر بن محمد به این سبب تبیینی ندارد که در بیان نسب وی با علی بن زیاد مواجه نمی‌شویم.

اما صرف‌نظر از این ابهام، در بررسی نسخه‌های موجود مجموعه فندکاتی درمی‌یابیم که ۲۱۰۸ اثر از مجموعه نسخه‌های خطی، نزدیک به عصر تاریخی انتقال مجموعه از طَلیطلَه به تمبوکتو است. همچنین ۱۱۰۲ نسخه، دارای هوامش متعددی هستند که خود مجموعه‌ای از اخبار اعم از یادداشت‌ها یا ضبط وقایع توالد و تناسل، مرگ و میر در فاصله قرون ۱۵ تا ۱۹ میلادی در برگرفته است. ۷۱۲۶ نسخه از این مجموعه نیز ظاهراً با نسخه‌های دیگری مقایسه شده و گاه ارجاعاتی به برخی از آثار که اطلاعات ما درباره آنها هنوز کامل نیست، در بردارد.

مجموعه فندکاتی یا «خزائن مکتوم خاندان القوطی»، امروز یکی از مجموعه‌های خاندانی

۱. کلیسای کنونی، این نزاع در سال ۱۴۶۸م رخ داد.

۲. در خصوص تاریخ این سلسله نک به عبدالقادر زبایدی، مملکة سنغای فی عهد الاسیقیین (۱۴۹۳-۱۵۹۱م)، الجزائر ۱۹۷۱.

موجود در تمبوکتو است که هنوز فهرست کامل نسخه شناسی و کتاب شناسی آن تهیه نشده است. در وجیزه حاضر، بازماندگان خاندان تنها فهرست نامگوی این آثار را در دسترس قرار داده‌اند. فقدان فهرست نگاران آشنا به متون این بخش خاص از گستره دنیای اسلام هنوز این امکان را به خاندان القوطی نداده است تا توصیف کامل آثار و مجموعه‌های خود را به انجام رسانده و در اختیار قرار دهند اما با این همه به نظر می‌رسد رقم‌های علی بن زیاد و محمود کعتی بر این نسخه‌ها، اهمیت این مجموعه را در قیاس با سایر مجموعه‌های خاندانی بیشتر نمایان می‌سازد. در میان این مجموعه آثاری از سیصد نویسنده اندلسی، یکصد مولفی که خود را از جمله عیسویان نومسلمان دانسته‌اند و نیز شصت مصنف یهودی، وجود دارند که آثاری در موضوعات مختلف چون دین، حقوق، الهیات، تصوف، تاریخ، طب، ریاضیات، منطق، فلسفه، علم اللغة و... را برای ما به ارمغان نهاده‌اند.

در فهرست حاضر اشاره به رقم‌های این دو شخصیت تاریخی بر روی نسخه‌ها مشخص شده است. علاوه بر منابع کهن موجود در مجموعه فندکاتی، آثار متأخر این مجموعه اجازه می‌دهد تا دانش ما از دوران فترت حضور حکومت‌های اسلامی در مناطق شمال و غرب آفریقا افزایش یابد. دورانی که به دلیل فراموشی تاریخی محققان سایر نواحی از این جغرافیا، در قیاس با قرون میانی کمتر مورد توجه واقع شده است. افزون بر آن باید از دوران استعمار نیز غافل نبود؛ چرا که تصویر بسیار مبهم و مخدوشی از این عهد را، در تاریخ‌نگاری دوران استعمار آفریقای غربی و منطقه صحرای بزرگ ترسیم کرده است.

کتابخانه خاندان اُقیت بر اساس گزارش «نیل البتهاج»^۱ تنبکتی، مجموعه ای نفیس و حائز اهمیت بوده است.^۲ فراموش نباید کرد که بخش قابل ملاحظه‌ای از آثار احمد بابا تنبکتی که خود شاگرد محمود کعت بوده، نیز در این کتابخانه قرار دارد. از خانواده اُقیت یا القوطی، شخصیت‌های متعددی در تاریخ منطقه شمال جمهوری مالی امروزی وجود دارد که تأثیری عمیق را بر بقای حیات تاریخی این منطقه برجا نهاده‌اند.

۱. احمد بابا تنبکتی، نیل الابتهاج بتطریز الدیاج، قاهره ۱۹۱۱، ص ۹۳.

تاریخ عمومی منطقه صحرای بزرگ آفریقا به دلیل بی توجهی تاریخ نگاران و عدم ارتباط میان مناطق مختلف، مقارن با آغاز گسترش عصر دریانوردی اروپاییان سبب شد دانش ما از این مناطق اندک و ناکافی باشد. به رغم این مسئله، حیات علمی و فرهنگی قبایل و مردمان ساکن در پیرامون صحرای بزرگ آفریقا از سودان تا سنگال در تمام دوران منتهی به قرون ۱۸ و ۱۹ میلادی باقی و جاری بوده است.

تحولات سالهای اخیر در تغییر موقعیت ژئوپولیتیک گستره ای به بزرگی صحرای بزرگ آفریقا که بخش های وسیعی از کشورهایی چون مراکش، موریتانی، مالی، الجزایر، نیجر، لیبی، سودان و حتی صحنه های جنوب مصر را در بر گرفته، سبب توجه بیشتر اهل تحقیق نسبت به این مناطق شد.

منابع وسیع نفت و گاز صحرای بزرگ، معادن بزرگ عناصری چون اورانیوم در نیجر و مالی و حتی طلا در مالی و سنگال، به همان میزان که می تواند در رویکرد جدید کشورهای توسعه یافته به این مناطق بیفزاید، این تهدید را هم محتمل می سازد که ما در آینده ای نه چندان دور با تنش های فراوانی در این منطقه روبه رو خواهیم شد.

صحرای بزرگ، دیگر همچون قرون گذشته غیرقابل دسترس نیست. خودروهای مجهز برای عبور از مناطق صحرایی، هم سرعت حرکت در صحرا را افزایش داده و هم خطرات ناشی از طی مناطق صحرایی را که در اعصار گذشته متوجه قوافل شتران می شد، کاهش بخشیده است. از این جهت صحرای بزرگ می تواند کریدوری مناسب برای تبادلاتی چون مواد مخدر یا مهاجرت های غیرقانونی و حتی مسیری امن در جهت تحرک گروه های افراط گرای سلفی باشد.

امروزه، به همان میزان که این ویژگی ها خود را بر ما می نمایند، در می یابیم که مسائل صحرای بزرگ آفریقا و «کشورهای ساحل و صحرا» بیشتر از گذشته مطرح می شوند. کشورهای بزرگی که تا پیش از این به جهت وسعت سرزمینی، خود را به عنوان یک پیکره واحد نشان می دادند با احیای هویت های محلی، قبایلی و مذهبی دچار تنش های جدیدی خواهند شد و این عامل به تنهایی می تواند اسباب تنازعاتی را در این کشورها نظیر آنچه که در میان اقلیم های مختلف لیبی پس از سقوط قذافی بروز یافت، به دنبال آورد.

هویت تاریخی صحرای بزرگ آفریقا در قرون منتهی به عصر ما، تنها شاخصی است که می‌تواند در تثبیت تنوع اقلیم‌های مختلف این منطقه و احیای هویت فراموش شده ساکنان آن مؤثر واقع شود. بازسازی تاریخ مردمان ساکن در این کشورها و نقش اجتماعی آنها مانع از آن خواهد گردید که تحریک عوامل مختلف، زمینه افزایش تنش‌ها و درگیریهای سخت را در پی خواهد داشت.

در حقیقت در تمام دوران به ظاهر تاریک مناطق صحرای بزرگ، حیات علمی و فرهنگی توأم با توسعه اجتماعی و اقتصادی وجود داشته و متأسفانه خاطره آن در اثر حوادثی چون استعمار اروپاییان و یا تهاجمات داخلی مخدوش و کم رنگ شده است. همین عدم پیوستگی حافظه تاریخی مردم این نواحی در شرایط جدید، که توجه بسیاری به ذخائر تحت اختیار آنها جلب شده، تهدیدزا است. نباید فراموش کرد که در همین ادوار تاریخی دامنه ارتباطات داخلی میان آنها افزایش یافته و شرق و غرب صحرای بزرگ به هم پیوسته است.

مشکلات سیاسی- اجتماعی کشورهای آفریقایی و عدم توسعه یافتگی که ریشه در عهد استعمار اروپایی داشت، سبب گشت تا هویت کنونی آفریقائیان مخدوش جلوه کند؛ از این رو با توجه به وضعیت پیش گفته، این عامل می‌تواند اسباب افزایش بحران‌ها را در این مناطق فراهم سازد و عملاً منطقه‌ای بی ثبات و بحرانی را در بخشی از پیکره دنیای اسلام شکل دهد.

شاید اگر خرد جمعی و حافظه تاریخی این مناطق مجدداً مورد توجه قرار گیرد و بازتولیدی از منابع و متون قبائل و اقوام ساکن در این نواحی با دیدی منصفانه و استناد به منابع موجود انتشار یابد، بتوان تا حدی در برابر وضعیت فرا رو، ایمن‌سازی کرد. بدیهی است که در این میان، منابع مکتوب باقی مانده از دوره‌های گذشته تاریخی آفریقا موجود در کتابخانه‌های شخصی خاندان‌های بازمانده مناطق صحرای بزرگ آفریقا، مرجع اساسی برای هر پژوهش و هر بازتولیدی خواهد بود.

مکتوبی از دعا، رساله‌ای در تصوف، قطعه‌ای از شعر و دهها رساله و سند بازمانده از آن گذشته، اگرچه به نگاه پژوهندگان تاریخ مناطق غیر از قاره آفریقا کم‌اهمیت به شمار می‌آید، اما به دو دلیل می‌توان گفت این اوراق و متون برای بقای حیات فرهنگی جوامع موجود در این منطقه و کاستن از احتمال تنازعات میان آنها بی‌نهایت مهم است.

نخست آنکه ما اصولاً نمی‌توانیم تا قبل از تجميع و آماده‌سازی اولیه این متون و اوراق درباره اهمیت آنها قضاوت واقع‌بینانه داشته باشیم؛ چرا که دانش محققان محلی نیز نسبت به منابع در اختیارشان محدود و تسلط آنها بر متون پیوسته به تاریخ و فرهنگ کهن سایر نواحی کافی نیست. عامل دوم در این زمینه، محدودیت منابع موجود تاریخی این مناطق است. مهاجرت‌های دائمی، کم‌شماری جمعیت، عوارض عهد استعمار، تغییر زبان و خط و برخی از عوامل دیگر سبب شده است که اسنادی مکتوب اعم از اوراق یا متون در تمام دوران منتهی به قرون ۱۸ و ۱۹ میلادی به وسعتی که در دیگر مناطق تألیف می‌شد، در مناطق صحرای بزرگ آفریقا تولید نگردد. به همین میزان فرهنگ عامه، آئین‌ها و سنت‌های موجود نیز نمی‌توانند در یک بستر تاریخی توصیف و تشریح شوند. از این رو است که متون موجود در کتابخانه‌های شخصی این منطقه و به ویژه آن دسته از کتابخانه‌هایی که در پیوستگی بیشتری با سرزمین‌های پیرامونی صحرای بزرگ بوده‌اند - از جمله مجموعه فندکاتی - می‌تواند بسیار حائز اهمیت باشد.

در پائیز ۱۳۸۸ ش/ ۲۰۰۹م اولین امکان دیدار از مجموعه آثار فندکاتی و گفتگویی با متولیان آن برای اینجانب حاصل شد. ویژگی‌های نسخه‌های این خانواده آنچنان که در پیش گفته شد، قابل توجه بود. در آن تاریخ، هنوز نسخه‌ها در داخل صندوق‌های چوبی و فلزی بر روی شن صحرای بزرگ آفریقا آرمیده بودند. به گفته مولای اسماعیل حیدرا جیاجه القوطی، یکی از مدیران این مجموعه، تا آن زمان تنها نسخه‌ها شمارش و صفحه‌ها شماره گذاری شده بود. البته بخشی از آثار نیز که دارای هوامش بودند نیز به همت ایشان دسته‌بندی شده و کار بازنویسی آن دسته از هوامش که واجد اطلاعات تاریخی مرتبط با شهر تولد اسپانیا بود با حمایت مالی شهرداری آن شهر آغاز گشته بود.

اینک بعد از دو سال فهرستواره نخستین از مجموعه آماده شده، فهرستی که بی‌شک شامل همه اطلاعات نبوده و به‌باور نگارنده در ثبت اسامی و اطلاعات نسخه‌شناسی و کتاب‌شناسی هنوز در حد یک سیاه‌بردار است. لکن به دلیل اهمیت این مجموعه و ضرورت حفظ آن پیشنهاد انتشار این فهرست نامگوی داده شد که خوشبختانه مورد موافقت متولیان مجموعه قرار

گرفت. در ثبت اطلاعات این فهرستواره، به ترتیب: شماره نسخه، نام اثر، نام مولف، موضوع اثر، تعداد اوراق، تاریخ کتابت و برخی از ملاحظات تهیه کنندگان مالیایی گنجانده شده است. بدیهی است که در برخی از موارد که اطلاعی در دست نبوده از علامت سوال استفاده شده است.

در این خصوص شایسته است که ابتدا مراتب قدردانی عمیق خود را از مدیران مجموعه فندکاتی به جهت حسن اعتماد و درک نقطه نظرات پیش گفته ابراز داشته و امیدوارم که این ارتباط و حسن تعامل برای آموزش فهرست نویسی و تصویربرداری از این آثار تداوم یابد.

همچنین بر خود فرض می‌دانم که از حمایت جناب آقای دکترهادی سلیمان‌پور، رئیس مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی وزارت امور خارجه و نیز جناب آقایان دکتر رضا نظرآهاری، مدیرکل اسناد و تاریخ دیپلماسی، ولی‌الله محمدی، مدیرکل آفریقا، ابوالحسن شریف محمدی، سفیر جمهوری اسلامی ایران در باماگو، باموی چپته، پژوهشگر نسخه‌های خطی در تمبوکتو که با مساعدت و تشویق‌های خود امکان انتشار این اثر را فراهم ساختند، قدردانی کنم.

حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر سید محمود مرعشی نجلی فاضل حضرت آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی (ره)، ریاست و تالیف کتابخانه بزرگ آن مرجع عالم و دوراندیش در قلم نیز همچون گذشته با نهایت بزرگواری همیاری خود را در انتشار این فهرست مبذول کردند و جای آن است نهایت سپاس خود را از ایشان نیز ابراز کنم.

إذا عجز الإنسان عن شكر منعم فقال: «جزاك الله خيراً» و قد كفى

سیدعلی موجانی (صفا خوان)

تهران - پائیز ۱۳۹۰